



ایران باستان

جلوه‌های هنری در ایران به دوره‌ی نوسنگی در حدود هزاره‌ی هشتم پیش از میلاد باز می‌گردد. از قدیمی‌ترین آثار به جای مانده می‌توان به نقاشی‌های غارهای دوشه، میرملاس و همیان در کوه‌دشت لرستان اشاره کرد. پس از این‌ها مهم‌ترین آثار عصر نوسنگی ظروف سفالی منقوش هستند که از نقاط مختلف به‌دست آمده‌اند. به نظر می‌رسد که پیشینه‌ی سفالگری منقوش در ایران به حدود هزاره‌ی پنجم پیش از میلاد باز می‌گردد که با استفاده از نقوش جانوری و هندسی منقوش شده‌اند.

مناطق باستانی کرمان

با کشف مناطقی در دشت لوت از جمله تپه یحیی، جیرفت و شهداد پرده از اسرار تمدنی متعلق به هزاره‌ی چهارم پیش از میلاد برداشته شد.

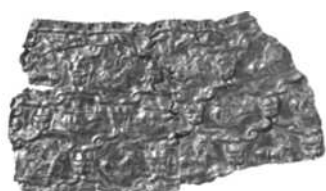
از مهم‌ترین یافته‌های جدید باستان‌شناسان ایران، کشف منطقه‌ی باستانی دشت لوت به ویژه سرزمین آرْت در جیرفت با قدمتی ۵۰۰۰ ساله است. از منطقه‌ی جیرفت آثار بسیاری از جنس سنگ صابون (استاتیت) به‌دست آمده است.



آثار سنگی جیرفت، هزاره‌ی سوم ق.م



از دیگر مناطق باستانی کرمان می‌توان به شهاداد اشاره کرد که برجسته‌ترین اثر به‌دست آمده از این تمدن، پرچم مسی شهاداد کرمان (اولین پرچم شناسایی شده‌ی ایرانی) با نقش فردی نشسته بر تخت با مناظر پیرامون می‌باشد. علاوه بر این از منطقه‌ی شهاداد نوعی خط نشانه‌ای بر روی سفال و نقوش جانوری بر روی استاتیت (سنگ صابون) به‌دست آمده است.



قطعه‌ی طلایی، زیویه کردستان، هزاره‌ی اول ق.م

مهم‌ترین تجلی آثار هنری دوره‌ی سوم آهن را می‌توان در زیویه کردستان در نزدیکی شهر سقز مشاهده کرد. آثار زرین این تمدن از اهمیت به‌سزایی در هنر فلزکاری ایران برخوردار است.

بیش‌ترین آثار به‌دست آمده از ساکنان اولیه‌ی فلات ایران، متعلق به مناطق باستانی تپه سیلک، تپه گوران کرمانشاه، علی‌کش دهلران و گنج‌دره‌ی هرسین کرمانشاه است.

■ تپه سیلک

در نزدیکی کاشان قرار دارد و شامل دو تپه‌ی شمالی (A) و جنوبی (B) است، حفاریات این تپه زیر نظر گیرشمن انجام شده است، شهرت این تپه به واسطه‌ی ظروف سفالی به‌دست آمده از آن است که با نقوش هندسی الهام گرفته از طبیعت، نقوش جانوری اغراق‌آمیز و یا تلفیق این دو نوع نقش تزئین شده‌اند که سهم نقوش هندسی در این بین بیش‌تر است. ویژگی این تپه‌ی باستانی به خاطر کشف الواح ایلامی است که قدیمی‌ترین اسناد نگارش در فلات ایران به شمار می‌روند.



همچنین از این تپه دسته چاقویی از جنس استخوان به دست آمده که قدیمی ترین اثر پیکره سازی ایران به شمار می رود. در این تپه‌ی باستانی (تپه‌ی B) آثاری مربوط به زمان مادها یافت شده است.

■ مارلیک (چراغلی تپه)

در دره‌ی گوهر رود در استان گیلان قرار دارد و سکونت گاه اولیه‌ی اقوام «مارد» بوده است. آنچه که شباهت بین آثار مارلیک و لرستان را نشان می دهد این است که در هر دو منطقه آثار از دل قبرها به دست آمده اند. مهم ترین آثار به دست آمده از مارلیک اشیاء زرین هستند که با ارزش ترین آن‌ها جام طلای مارلیک محفوظ در موزه‌ی ایران باستان است. هم چنین پیکره‌ی طلایی زن نیایش گر از مارلیک گیلان به دست آمده است. آثار زرین مارلیک به همراه آثار زرین زیویه‌ی کردستان و مفرغ‌های لرستان متعلق به دوره‌ی مادها می باشند.

هم زمان با ورود آریایی‌ها به ایران آثار سفالی متفاوتی ساخته شده که در آن‌ها بین سفالگری و پیکره سازی پیوند وجود دارد که برای نمونه می توان به گاو کوهان دار مارلیک اشاره کرد.



■ تمدن شهر سوخته

بر اساس یافته‌های باستان شناسان در شهر سوخته (سیستان) مربوط به حدود هزاره‌ی سوم قبل از میلاد، به نظر می رسد که شهر سوخته مهم ترین مرکز صنعت مفرغ سازی در شرق ایران بوده است. در این منطقه خانه‌ها به صورت پلکانی ساخته شده و سطح دیوارها را با اندودی از گل و مواد آهکی پوشانده اند و لوله‌های بزرگ سفالی (تنبوشه) در خانه‌ها برای آبرسانی مورد استفاده قرار گرفته است.



کشف مجموعه‌ی دختر بچه‌ای که عمل جراحی بر روی آن صورت گرفته، نشان از پیشرفت علم پزشکی در این منطقه دارد. در طول کاوش‌های باستان شناسی در شهر سوخته، سوزن نیز به دست آمده است.

■ لرستان

قدیمی ترین نقاشی‌های غاری ایران از غارهای دوشه، میرملاس و همیان در کوهدشت لرستان به دست آمده اند. موضوع این نقاشی‌ها صحنه‌های رزم و شکار است. اما لرستان از مناطقی است که به واسطه‌ی کشف آثار مفرغین زیبا و استثنایی شهرت یافته است. (صنعت مفرغ بین ۱۵۰۰ تا ۷۰۰ ق.م در لرستان رواج داشته است.)

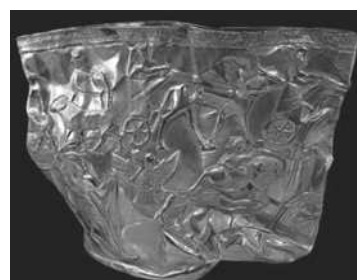


نمونه‌ی مفرغ‌های مکشوفه از لرستان

این آثار مفرغی بیش‌تر جنبه‌ی انتزاعی دارند و کم‌تر به طبیعت شبیه‌اند و از آن‌جا که مردم لرستان در آن زمان پرورش‌دهنده‌ی اسب بوده‌اند، بیش‌تر این آثار مفرغی در ارتباط با اسب است مثل انواع دهنه‌ی اسب، پوزه‌بند، لگام و دیگر لوازم سوارکاری. از داخل گورهای لرستان گردنبندی شیشه‌ای با دانه‌های آبی‌رنگ متعلق به هزاره‌ی سوم به‌دست آمده است.

■ تپه حسنلو

در آذربایجان قرار دارد و سکونت‌گاه اولیه‌ی اقوام مانایی در ایران به‌شمار می‌رود. از مهم‌ترین آثار به‌جای مانده از این منطقه جام حسنلو است که نقوش آن جنبه‌ی طبیعت‌گرایانه دارند. از دیگر خصوصیات آن، کشف اولین تالارهای ستون‌دار در این منطقه است که پایه‌ی معماری زمان هخامنشی به‌شمار می‌روند.



■ تپه سراب

از محوطه‌های عصر نوسنگی در کرمانشاه است. از این منطقه تعداد قابل توجهی تندیس‌های زنانه به‌دست آمده که نشان از اهمیت زنان در زندگی روزمره دارد و از این تندیس‌ها به عنوان الهه‌ی مادر تعبیر می‌شود که نماد زاد و ولد و تداوم زندگی هستند. در این پیکره‌ها که حالتی نشسته دارند بالاتنه ظریف‌تر و پایین‌تنه بسیار بزرگ‌تر است و به ونوس تپه سراب شهرت یافته‌اند.



■ تپه سنگ چخماق



در نزدیکی شاهرود قرار دارد و از محوطه‌های باستانی عصر نوسنگی است. از این منطقه تعدادی ظروف سفالی بزرگ که برای نگهداری مواد غذایی ساخته شده‌اند، به دست آمده که بعضی از آنها به شکل خانه ساخته شده‌اند. از روی این ظروف که به شکل ماکت (الگو) ساخته شده می‌توان به شکل خانه‌ها پی برد.

■ تل باکون



از مناطق باستانی عصر نوسنگی در شیراز و در نزدیکی تخت جمشید است که از آن تعداد زیادی ظروف سفالی به دست آمده است. رنگ این سفالینه‌ها بیش‌تر به رنگ کرم یا زرد نخودی است که با رنگ سیاه یا قهوه‌ای تیره و نقش‌های هندسی و جانوری و تلفیقی نقش‌پردازی شده‌اند.

■ تپه گیان نهاوند



از این منطقه ظروف سفالی تک‌رنگی مربوط به هزاره‌ی دوم قبل از میلاد به دست آمده، این سفالینه‌ها هم مثل سایر سفالینه‌های مناطق غربی ایران با رنگ قهوه‌ای تیره بر زمینه‌ی زرد نخودی نقاشی شده‌اند و شامل مجموعه‌ای از طرح‌های هندسی پیچیده است.

■ تپه ملیان

برخی از باستان‌شناسان چند پایه در «تپه ملیان» در نزدیکی فارس پیدا کرده‌اند و عقیده دارند که سابقه‌ی کاربرد ستون از شش هزار سال پیش در معماری ایران شناخته شده است. مهم‌ترین بنایی که تاکنون در ایران با تالارهای بزرگ و ستون‌دار شناخته شده، «دژ حسنلو» واقع در جنوب دریاچه‌ی ارومیه است.

■ ایلام



این تمدن در جنوب غربی ایران به مرکزیت شوش (در استان خوزستان) مربوط به هزاره‌ی سوم ق.م (پنج هزار سال قبل) است که به سه دوره‌ی ایلام آغازین، میانه و جدید تقسیم می‌شود. این تمدن بر پایه‌ی دستاوردهای غنی خود یکی از معتبرترین تمدن‌های فلات ایران به شمار می‌رود. شوش، هفت‌تپه، چغامیش در انزان (انشان) از مهم‌ترین مراکز تمدن ایلام به شمار می‌روند و در این بین شوش به دلیل قدمت زیاد به مادر شهرهای دنیا معروف است.

ایلامیان به موازات پیدایش نخستین خطوط تصویری جهان در تمدن‌های دشت لوت و سومر، خطی تصویری موسوم به «ایلامی مقدم» داشتند که به مرور به خطی ساده‌تر با حدود ۳۰۰ علامت به عنوان خط میخی ایلامی تغییر کرده است.



سفالگری ایلام

مهم‌ترین آثار سفالی این تمدن از شوش به‌دست آمده‌اند که با نقوش هندسی و جانوری و یا تلفیقی از هر دو تزئین شده‌اند که برای نمونه می‌توان به جام شوش محفوظ در موزه‌ی لوور پاریس اشاره کرد. در نقوش این ظروف سفالی نقش‌ها جنبه‌ی انتزاعی و اغراق‌آمیز دارند و دارای مفاهیم نمادین می‌باشند.



ظرف سفالی مکشوفه از شوش



جام شوش

از دیگر نمونه‌های سفالینه‌های ایلام می‌توان به سفالینه‌های موسوم به کفتری (کبوتری) نخودی‌رنگ با تصاویر ردیفی پرندگان اشاره کرد که از تپه «هلیان» به‌دست آمده است.



پیکره‌ی ناپیرآسو

فلزکاری ایلام

مهم‌ترین اثر فلزی مکشوفه‌ی تمدن ایلام در دوره‌ی ایلام میانه، پیکره‌ی مفرغی ملکه ناپیرآسو همسر اونتاش‌گال فرمانروای ایلام میانه از جنس مفرغ و مس است که از تپه ارگ شوش به‌دست آمد.



از آثار فلزی تمدن ایلام

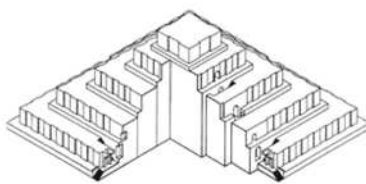
این پیکره به لحاظ پیشرفت و تکامل فن ریخته‌گری و نحوه‌ی پوشاک ایلامی دارای اهمیت است.

معماری ایلام

شاخص‌ترین اثر معماری به‌جای مانده از ایلام میانه، زیگورات چغازنبیل (قدیمی‌ترین بنای ایران باستان و بزرگ‌ترین زیگورات جهان) مربوط به ۱۲۵۰ ق.م (۳۲۵۰ سال قبل) است که از سوی یونسکو به عنوان یکی از مفاخر میراث فرهنگی جهانی به ثبت رسیده است. به نظر پوپ اگرچه تکوین این بناهای عظیم در بین‌النهرین بوده ولی الهام و مفهوم آن آشکارا ایرانی است. این بنای پنج طبقه به عنوان معبد پرستشگاه از سوی اونتاش‌گال به خدای شهر شوش اینشوشیناک تقدیم شده است. مصالح اصلی بنا خشت، برای ساخت و آجر، برای نمای زیگورات است و بخشی از تزئینات معبد را آجرهای لعابدار تشکیل می‌دهند. در این معبد برای اولین بار در معماری ایران با تکیه بر فنون پیشرفته لعاب‌کاری از کاشی برای تزئین بنا استفاده شده است. استفاده از ردیف میله‌های باریک شیشه‌ای مات در چغازنبیل، شاید اولین کاربرد شیشه در تاریخ معماری جهان باشد. این بنا دو ویژگی مهم دارد. اول آن که بر روی آجرهای نما خطوطی به شکل خط میخی که همان خط ایلامی می‌باشد، حک شده است. دوم آن که قدیمی‌ترین طاق قوسی‌شکل ایران در این بنا است. سقف پله‌های این بنا طاقی دایره‌ای شکل و بدون تیزه دارد.



طرح زیگورات چغازنبیل به همراه حصار دور آن



نمایی از پلان برش‌خورده‌ی زیگورات چغازنبیل



نمایی از زیگورات چغازنبیل

نقش برجسته‌های ایلام

از نقش برجسته‌های ایلام می‌توان به نقش برجسته‌ی کول فره و اشکفت سلمان و بانوی ایلام در حال نخ‌ریسی اشاره کرد. بر اساس نقش برجسته‌های ایلامی می‌توان به رواج موسیقی در آن عهد پی برد که در برخی از آنها نوازندگان و سرایندگان دیده می‌شوند.



نقش برجسته‌ی کول فره در ایذه (مالمیر) خوزستان



نقش برجسته‌ی بانوی ایلامی در حال نخ‌ریسی

از دیگر آثار هنری ایلامیان مهرهای استوانه‌ای لعابی و شیشه‌ای است. این تمدن با گستره‌ی بیش از دو هزار سال در سه دوره‌ی ایلام کهن، میانه و نو پس از فروپاشی توسط آشوریان در نهایت بازتاب آن را می‌توان در دولت‌های آریایی به ویژه هخامنشی به خوبی مشاهده کرد.



مهر مکشوفه از شوش



اثر لعابدار مکشوفه از شوش

موسیقی ایلامیان

وجود آثار بسیاری هم‌چون حجاری‌ها و مجسمه‌ها، دلالت بر رواج موسیقی در این دوره دارد. از جمله‌ی این اسناد می‌توان از مهر چغامیش متعلق به ۳۵۰۰ قبل از میلاد نام برد که تصویر یک چنگ‌نواز، نوازنده‌ی طبل، یک نوازنده‌ی بوق یا ساز بادی و نیز یک خواننده در آن دیده می‌شود. بدیهی است که وجود این سازها دلالت بر شناخت این سازها دارد و هم‌چنین نشان می‌دهد که نغمه و وزن وجود داشته است و اگر بپذیریم که چنین شناختی، آسان به دست نیامده است، باید این مطلب را نیز بپذیریم که پیشینه‌های کهن‌تر از ۳۵۰۰ ق.م در پس آثار این دوره نهفته است.



مهر مکشوفه از چغامیش که در آن تصویر نوازندگان دیده می‌شود.



■ ماد

در حدود سال ۸۰۰ پیش از میلاد نیروی تازه‌ای در فلات ایران به ویژه در منطقه‌ی کوهستانی غرب پدید آمد. این دولت جدید با دستیابی به «وحدت ملی» بر پایه‌ی مشترکات و پیوندهای فرهنگی میان اقوام مختلف نواحی تحت حکومت خود، نخستین دولت متحد فلات ایران را پایه‌گذاری کردند که به مادها شهرت دارند. بر اساس یافته‌های تدفینی در منطقه‌ی زیویه و به ویژه سفالینه‌های کشف شده چنین به نظر می‌رسد که تأثیرات متقابلی میان مادها و دیگر اقوام ساکن در فلات ایران و سکاها وجود داشته است. این تأثیر نوعی تمایل به اشکال و موضوعات حیوانی (جانورسان) در بیان هنر اقوام یاد شده است که شکل متعالی آن را می‌توان بعداً در هنر هخامنشی ملاحظه کرد.

مادها در سال ۶۱۲ ق.م به کمک بابلی‌ها، امپراطوری آشور را در مناطق شمال عراق کنونی شکست داده و کلیه‌ی مناطق آناتولی (ترکیه‌ی فعلی) تا مرکز فلات ایران، منطقه‌ی بلخ (افغانستان شمالی) تا حدود رودخانه‌ی جیحون را به تصرف در آوردند.

مهم‌ترین آثار به‌دست آمده از مادها را می‌توان در گنجینه‌ی جیحون و آثار طلایی آن شناخت.



یکی از هنرهای برجسته‌ی مادها، فلزکاری است. گنجینه‌ی زیویه‌ی کردستان مربوط به مادها را سرآغاز هنر فلزکاری ماد و هخامنشی می‌دانند. گنجینه‌ی زیویه شامل گردنبندها، زرها، سنجاق‌ها و ... از جنس طلا است. آثار فلزی جانورسان، ارابه‌ی طلایی (ارابه‌ی خورشید) شاخص‌ترین اثر گنجینه‌ی جیحون و جام طلایی کلاردشت است.

ارتباط فلزکاری مادها با اقوام بومی لرستان را در پیکره‌ی کوچک مفرغی بُز که از همدان به‌دست آمده می‌توان ملاحظه کرد. تأثیر فلزکاری ماد تا قفقاز و فریژه (غرب ترکیه‌ی امروزی) گسترش یافت و شیوه‌ی ساخت فلزکاری آنان را تحت تأثیر قرار داد.



ارابه‌ی طلایی گنجینه‌ی جیحون



جام طلایی کلاردشت



کمر بند طلایی گنجینه‌ی زیویه



آثار فلزی جانورسان

معماری ماد



طرح دژ مادی در نقش برجسته‌های آشوری

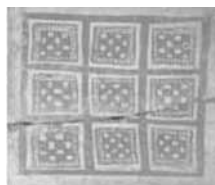
بناهای عمارت‌نشین صفه‌ای بالای تپه و گوردخمه‌های سنگی از مهم‌ترین آثار معماری ماد به شمار می‌آید. مادها به ویژه به ساخت دژ اهمیت بسیار می‌دادند که می‌توان شواهد آن را در اسناد و مدارک آشوری به ویژه تصاویری که در نقش برجسته‌ها بر جای مانده ملاحظه کرد. نمونه‌ی شاخص این دژها در اکباتان هفت حصار مدور داشته است.

آثار معماری مادها در مناطق همدان (اکباتان یا هگمتانه)، ملایر (نوشی جان تپه) و کنگاور (گودین تپه) دیده شده است. شاخص معماری مادها در خانه‌های کشف شده در همدان (هگمتانه)، کاخی در نوشی جان تپه و گور دخمه‌های دکان داود کرمانشاه، داو دختر ممسنی فارس، شیرین و فرهاد سراب صحنه کرمانشاه، قیزقاپان (رباندهی دختر) در سلیمانیه عراق، سکاوند هرسین کرمانشاه و فخریکا در شمال شرقی مهاباد به دست آمده است. بارزترین نقش برجسته‌های مادی بر پیشانی این گوردخمه‌ها دیده می‌شود. این نقش برجسته‌ها بیش تر مفهومی تدفینی داشته و معمولاً فردی را در حال نیایش روبه‌روی آتش و یا در حالت به دست گرفتن برسم نشان می‌دهد.

سفالگری ماد

آگاهی ما از سفال‌سازی مادها چندان زیاد نیست. مراکز عمده سفالگری این عهد نوشی جان تپه در ملایر، بیستون کرمانشاه، زیویه کردستان و کلاردشت در مازندران بوده است.

اولین سفالینه‌های منقوش و رنگین در فلات ایران نیز از دوران مادها و از تپه باباجانی در لرستان به دست آمد.



آجر نقاشی شده، منطقه باباجانی لرستان، هزاره اول پیش از میلاد (دوره ماد)



ظروف سفالی زیویه کردستان، مربوط به هزاره اول پیش از میلاد

سفالگران مناطق یاد شده در دوره مادها در توسعه و رواج لعاب برای پوشش ظروف سفالین پیشگام بوده‌اند. هر چند زمینه آن پیش از این در تمدن ایلام وجود داشته است. از نمونه‌های به دست آمده ظروف سفالین لعاب‌دار در منطقه زیویه با نقش چند گاو و شاخه‌های گیاهی است که شاید بتوان آن را به عنوان نمونه‌ای از نقاشی دوران ماد معرفی کرد.

پوشاک مادها

نقوش باقی مانده از آثار مختلف این دوره نشان می‌دهد که مادها لباسی شامل نیم تنه و پیراهن آستین کوتاه تا زانو داشتند و پوست حیوانی مانند گوسفند و یا بز بر شانه‌ی چپ خود می‌آویختند. آن‌ها موهای خود را با نواری سرخ می‌بستند و کلاه نم‌دی بلندی به نام تیار بر سر می‌گذاشتند. پاپوش‌هایی نرم با نوک برگشته داشتند و خنجر یا شمشیری کوتاه به کمر می‌بستند.

موسیقی مادها

مادها تفسیر و ترجمه‌ی پهلوی اوستا را با آهنگ و آواز می‌خوانده‌اند. در روزگار ما نیز، هم‌چنان اوستا را به گونه‌ای آهنگین و نیایش‌وار می‌خواندند و این سنت نزد مهاجران ایرانی مقیم هند و نیز زرتشتیان مقیم ایران هم‌چنان پابرجاست. بدین سان می‌توان دریافت که موسیقی مبتنی بر گات‌های زرتشت یا به تعبیر دیگر، موسیقی «گاهانی» در دوره مادها رواج داشته است و می‌توان گفت که سرچشمه‌ی اصلی موسیقی ایرانی، موسیقی مذهبی و نیایشی بوده است.

به‌طور خلاصه مهم‌ترین عملکرد مادها، جذب هنرهای منطقه و تلفیق آن با میراث فرهنگی خود و تنظیم و انتقال آن به هنر هخامنشی بوده است.



طرح سوارکار دوره‌ی ماد که بیان‌گر پوشش مردان آن زمان با کلاه تیار است.



نمونه‌ی کفش زمان ماد

آیین زرتشت

در این دوره زرتشت ظهور کرد. از آنجایی که مهم‌ترین دستوره‌های دینی زرتشت «گاتها» است و تنها بخشی از اوستا است که باید به آواز خواند. باید گفت که موسیقی از جایگاهی ویژه برخوردار بوده است. زرتشت اولین بار دین خود را بر گشتاسب کیانی پادشاه ماد عرضه کرد.

■ هخامنشیان

سلسله‌ی هخامنشی به سال ۵۵۰ قبل از میلاد (۲۵۵۰ سال قبل) با سرنگونی آخرین پادشاه ماد «آستیگ» پدر بزرگ کوروش کیبر آغاز شد. نام این سلسله از نام هخامنش، جد بزرگ کوروش و موبد موبدان زردشتی گرفته شد. امپراطوری بزرگ ایران با فتوحات کوروش در سرزمین‌های لیدی، سارد، غرب آناتولی، بین‌النهرین، بابل، سوریه و فلسطین شکل گرفت.

آنچه ویژگی کلی هنر هخامنشی را در بر می‌گیرد، توجه به معماری و عظمت‌گرایی در آن، گرایش به نقش و نگاره‌های جانوری و توجه و احترام به شخصیت والای انسانی است. آن‌ها بدین واسطه توانستند با تلفیق عناصر بومی و عناصر ملل تابعه و با تکیه بر مصالح مناسب و اندازه‌ها، نگرشی آرمانی، عظمت‌گرا و عاری از خشونت را به تحقق رسانند. هنر هخامنشی با به‌کارگیری هم‌زمان شیوه‌های طبیعت‌گرایی (در ترسیم گل، گیاه و جانور) و تجریدگرایی (پرنده‌گان خیالی و مظاهر مقدس) به نوعی صراحت، سادگی، ظرافت، دقت و تعادل در بیان هنری خود دست یافت.



نقش انسان چهار بال از پاسارگاد که قدیمی‌ترین نقش برجسته‌ی هخامنشی به‌شمار می‌رود.

معماری هخامنشی

با نگاهی به تاریخ هنر ایران شاید بتوان گفت عالی‌ترین تجلی هنری به معنی حقیقی در معماری بیان شده است. به‌طور کلی معماری هخامنشی ستون‌دار با سقف مسطح است. مهم‌ترین بناهای این دوره را کاخ‌های عظیم و با شکوه تشکیل داده است و از معابد در آن

اثری نیست. زیرا هخامنشیان در مکان‌های بلند و زیر سقف آسمان به عبادت می‌پرداختند و ساخت معابد با باور آن‌ها هماهنگ نبوده است. مهم‌ترین بناهای دوره‌ی هخامنشی عبارت‌اند: پاسارگاد، تخت‌جمشید، کعبه‌ی زرتشت و کاخ شوش. ویژگی شاخص معماری هخامنشی در مقایسه با دیگر تمدن‌ها و سرزمین‌های همجوار، کاربرد ستون است. این ستون‌ها که با ارتفاع و تعداد زیاد در کاخ‌های پارسه نیز به کار رفته بود، دارای سرستون‌هایی به شکل نیم‌تنه‌های متقارن با پاهای جمع شده از حیوانات پشت کرده است که می‌توان نمونه‌ی مشابه آن را در نقوش جام‌های زیویه نیز مشاهده کرد. مجموع نمونه‌های سرستون در تخت‌جمشید را می‌توان به چهار نوع ۱- گاو ۲- شیر ۳- حیوانات تلفیقی ۴- لاماسو (گاو بالدار با سر انسان) تقسیم کرد. در تزئینات این کاخ‌ها عنصر رنگ نقش مهمی داشته، به گونه‌ای که ستون‌ها، سقف‌ها و نقوش برجسته بر روی دیوارها رنگ می‌شوند و حتی در برخی جاها به عنوان تزئین از روکش‌هایی از جنس مفرغ، طلا و لاجورد استفاده می‌کردند. به گفته‌ی یکی از محققان غربی آئین یکتاپرستی، آسمانی و ملکوتی شاهان هخامنشی خود گواه بارزی بر سطح عالی اخلاقیات هخامنشیان است که در معماری و سایر کارهای هنری آن‌ها نیز تجلی یافته است. نوآوری هخامنشیان در ساخت تالارهای ستون‌دار باعث شد این قبیل فضاها در سراسر جهان و در طول تاریخ به نام «آپادانا» نام‌گذاری کنند. معماری و کاخ‌سازی هخامنشی در قالب یک نظم هندسی مبتنی بر تکرار شکل‌های مربعی است که سابقه‌ی بسیار کهن دارد.

پاسارگاد

اولین پایتخت هخامنشی و اولین کانون امپراطوری هخامنشی پاسارگاد است که باغ‌آرایی جزء لاینفک معماری آن است. مجموعه‌ی پاسارگاد شامل دژ دفاعی، باغی بزرگ، کاخ کوروش، کاخ مسکونی و دروازه‌ای که احتمالاً دو گاو بالدار آن را محافظت می‌کرده و نیز مقبره‌ی کوروش بوده است. مقبره‌ی کوروش که از نمونه‌های پا برجای این مجموعه است، ساختمانی چند پله شبیه معبد چغازنبیل است که سقفی شیب‌دار دارد. تا حدود صد سال پیش به این بنا قبر مادر سلیمان می‌گفتند. از دیگر اجزاء پاسارگاد می‌توان به برج سنگی معروف به «زندان سلیمان» و سکوی سنگی بزرگی موسوم به «تل تخت» اشاره کرد. بر اساس شواهد باستان‌شناختی نخستین الگوی چهار باغ در پاسارگاد یافت شده که از ابداعات دوره‌ی کوروش به‌شمار می‌رود.

کتیبه‌های هخامنشی

یکی دیگر از آثار به جای مانده از عهد هخامنشی، کتیبه‌ی بزرگ سنگی بیستون کرمانشاه است که شرح حال دوران داریوش اول را با ۱۱۱۹ سطر انواع خط میخی ثبت کرده است. (از این کتیبه به عنوان کلید کشف خط میخی یاد شده است.)



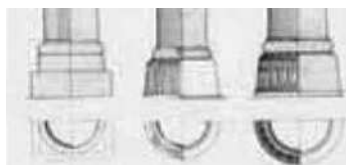


کتیبه‌های میخی دوران هخامنشی به سه خط «پارسی باستان»، بابلی و ایلامی نگاشته شده که شاخص‌ترین آن‌ها را می‌توان در «پاسارگاد»، «بیستون کرمانشاه» و «گنج‌نامه» در عباس‌آباد همدان مشاهده کرد. این کتیبه‌ها از جلوه‌های توجه به خط و نوشتار در فرهنگ هخامنشی است. خط میخی پارسی خطی زیبا، ساده و شیوا و شامل ۴۲ حرف می‌باشد.



تخت جمشید (پارسه، چهل منار) (۵۱۸ یا ۵۱۶ ق.م - ۳۳۰ ق.م)

مهم‌ترین بنای عصر هخامنشی که جنبه‌ی نمادین و اسطوره‌ای دارد، تخت جمشید است. این بنا در دامنه‌ی کوه رحمت و مشرف بر جلگه‌ی وسیع مرودشت در فارس ساخته شده و به نظر می‌رسد کاخی تشریفاتی برای اجرای مراسم آئینی و جشن‌های این عهد بوده است. بنای تخت جمشید شامل کاخ‌ها و تالارهای ستون‌دار و بناهای متعدد بر صفه‌ای بلند است که ورودی آن را پلکان‌های وسیعی می‌سازد که شمار آن‌ها در هر طرف به ۱۱۰ عدد می‌رسد. این پلکان‌های تزئینی شامل سه ردیف سربازان پارسی و مادی، سربازان جاویدان است و نمایندگان ۲۸ ملل تابعه را در حال ارائه‌ی هدایا نشان می‌دهند.



طرح پایه‌ستون‌های تالار آپادانا در تخت جمشید

توجه به محرمیت و درون‌گرایی در مجموعه کاخ‌های هخامنشی تأییدی بر روحیه‌ی اخلاقی آن‌ها است. بناهای موجود در این مجموعه شامل کاخ آپادانا، دروازه و تالار خشایارشا، کاخ داریوش (تچر، موزه‌ی خط، تالار آئینه)، کاخ اردشیر، تالار ورودی، تالار دو دروازه، تالار شورا و تالار هدیش است.

آتشکده‌ها

مقارن با دوره‌ی حکومت داریوش اول در آئین و معماری ایرانی تغییراتی پدید آمد و به جای پرستش دو خدای میترا (مهر) و اهورا، تنها اهورامزدا (آفتاب دانا) را نیایش می‌کردند. پس آن‌ها برای خدای حامی حکومت خود معبدهایی بُرجی‌شکل، ابتدا در پاسارگاد به نام «زندان سلیمان» و سپس در نقش رستم به نام کعبه‌ی زرتشت احداث کردند. به عبارتی کاربری کعبه‌ی زرتشت همانند یک ساعت خورشیدی برای تعیین زمان‌های نیایش اهورامزدا بر اساس تابش خورشید بوده است.

ایرانیان بر طبق آئین یکتاپرستی زرتشت، نور و آتش را در مقابل ظلمت و تاریکی جلوه‌ای از نماد خداوند می‌دانستند که انسان از طریق آن می‌توانست خود را به نور حقیقت برساند. لذا آتش را در نقطه‌ی جاودانه نگه می‌داشتند تا جاودانگی زندگی انسان‌ها را نمایان کنند. آتشکده‌ها یا معابد آتش از الگوی فضایی خاصی پیروی می‌کردند. آنان این بنا را به صورت چهارطاقی می‌ساختند که از یک سقف گنبدی روی چهار ستون نگهدارنده‌ی سقف تشکیل شده بود.

نقش برجسته‌های دوره‌ی هخامنشی

اهمیتی که هخامنشیان برای تزئین قائل بودند باعث رشد و شکوفایی هنر حجاری و نقش برجسته شد. موضوع نقش برجسته‌ها بیش‌تر اساطیری و تاریخی است و قدیمی‌ترین نمونه‌ی آن نقش انسان چهار بال (کتیبه‌ی بالای آن کوروش را معرفی می‌کند) است که از پاسارگاد به دست آمده است، اما بهترین نمونه‌ی هنر حجاری هخامنشی را می‌توان در نقوش برجسته‌ی پلکان آپادانای کاخ تخت جمشید جست‌وجو کرد. این نقوش شامل ردیف اهداکنندگان هدایا به شاهان هخامنشی، درگیری شیر و گاو و ردیف سربازان گارد جاویدان شاهی است. درگیری شیر و گاو نمادی از اعتدال شب و روز یا گردش فصول و یا نماد پیروزی است.

هنر حجاری این دوره آمیزه‌ای است از قدرت، وقار و ظرافت، همراه با تجربیات هنری اعصار قبل که به مرتبه‌ای از کمال رسیده‌اند. جانوران در آثار هنری ایران باستان جایگاه ویژه داشته‌اند. در میان جانورانی که موضوع آثار هنری هخامنشیان قرار گرفته‌اند، «شیر»، «بز» و «گاو» از همه مهم‌ترند. نقش برجسته‌های هم‌ردیف دیواره‌های تخت جمشید خصلت موقر و انسانی تمام مجموعه را تأیید می‌کند که در آن‌جا از کشمکش و خشونت مجسمه‌های آشوری خبری نیست و در عوض سادگی روشن، ملایم و آرامش و وقار متناسب با بنای بزرگ و زنده، نمایشگر روح متعالی هخامنشیان می‌باشد.

خلاقیت، هنر و دانش کالبدشناسی هنرمندان هخامنشی را در پدید آوردن نقوش برجسته می‌توان از موجودات اساطیری مشاهده کرد. نقش موجودات اساطیری را می‌توان بر سر ستون‌ها یا در دروازه‌ی ورودی کاخ خشایارشا به عنوان نگهبانان عظیم‌الجثه (اسفنگس) مشاهده نمود.

آرامگاه پادشاهان هخامنشی در نقش رستم فارس از نمونه‌های مهم معماری و نقش برجسته این عهد است که آرامگاه داریوش اول، خشایارشا و اردشیر اول و دوم در آن قرار دارد و بزرگ‌ترین آتشکده‌ی هخامنشی یعنی کعبه‌ی زرتشت نیز در مقابل آرامگاه‌ها قرار گرفته است.



نقش برجسته‌ی بیستون کرمانشاه



نقش انسان چهاربال در پاسارگاد



طرح لاماسو (انسان گاو بالدار) در دروازه‌ی خشایارشا در تخت جمشید



نقش برجسته‌ی درگیری شیر و گاو که مفهوم نمادین آن تغییر فصل است.



هنر حجاری هخامنشی فراتر از مرزهای ایران، الگوی ساخت ستون معروف سرنات (سرستون امپراطور آشوکا) در هند قرار گرفت که این سرستون و علامت چرخ زندگی روی آن به عنوان سمبل دولت هند بر روی پرچم و مدارک رسمی دولتی و اسکناس‌های هند دیده می‌شود. در نقش برجسته‌ها هخامنشیان علاوه بر استفاده از الگوهای تمدن‌های پیشین، با ایجاد تغییراتی در آن‌ها، استقلال و هویت خود را حفظ کردند. در پیکره‌های هخامنشی علاوه بر تغییر در فرم بال‌ها، نیم‌تنه با نمای طبیعی نشان داده شده است و به همین علت ارتباطشان با سرها و پاها متقاعدکننده‌تر از پیکره‌های آشوری است.

فلزکاری دوره‌ی هخامنشی

در این دوره ساخت اشیای فلزی از طلا و نقره و مرصع کاری نیز رواج داشت.



ظرف عهد هخامنشی



ریتون عهد هخامنشی



شیء نمادین مکشوفه از عهد هخامنشی



بز بالدار عهد هخامنشی



ظرف مکشوفه از عهد هخامنشی

از نمونه‌های مهم فلزکاری این عهد می‌توان به جام‌های شاخی (تکوک) اشاره نمود که از جنس طلا و ترکیبی از نقوش جانوری ساخته می‌شدند.



سکه‌های عهد هخامنشی به نام دریک (وریک)



ریتون مکشوفه از عهد هخامنشی

سکه‌هایی از جنس طلا به نام‌های «دریک» و «سیکل» یا «شیکل» از این دوره به دست آمده است.

مهرهای دوره‌ی هخامنشی



از دیگر هنرهای این دوره ساخت مهر و حکاکی است که بیش‌تر بر روی سنگ‌های قیمتی اجرا شده‌اند و از حیث هنری دارای ویژگی‌های منحصر به فرد ترکیب‌بندی، ظرافت و مفهوم‌گرایی است. مهرهای سه‌گانه‌ی استوانه‌ای، مسطح و حلقه‌ای (انگشتی) از این دسته‌اند. در این دوره کم‌تر مردم عادی بر روی مهرها ظاهر شده‌اند فقط در یکی از مهرها برای نمایش تقدس کشاورزی نقش یک کشاورز حک شده است.

قالیهای دوره‌ی هخامنشی



از آثار ارزشمند هنر قالی‌بافی این دوره «فرش پازیریک» قدیمی‌ترین قالی ایران و جهان است که از یخ‌های سیبری در آلتای مغولستان توسط پرفسور رودنکوی روسی کشف شد. این فرش در موزه ارمیتاژ لنینگراد روسیه نگهداری می‌شود که با توجه به شباهت نقوش آن به نقش‌برجسته‌های تخت‌جمشید آن را متعلق به دوره‌ی هخامنشی می‌دانند.

نمایش در دوره‌ی هخامنشی

گستره‌ی فرهنگ هخامنشی به دو دلیل وجود نگرش‌های آئینی و مذهبی توانست زمینه‌های پیدایش و تکامل نمایش را ایجاد کند. در این نمایش‌ها، رنگ کردن بدن، استفاده از صورتک‌ها و پوشیدن لباس‌های میدل معمول بوده و از اسناد تاریخی چنین برمی‌آید که در همدان و کرمان تماشاخانه‌هایی در این دوره وجود داشته است.

موسیقی دوره‌ی هخامنشی

در دوره‌ی هخامنشیان نیز موسیقی مذهبی تداوم یافت. از سویی دیگر، موسیقی رزم و موسیقی بزم هم‌چنان رواج داشته است. از آثار این دوره می‌توان به گُرناهی فلزی و طویل اشاره کرد که اکنون در موزه‌ی تخت‌جمشید فارس نگهداری می‌شود. هم‌چنین در میان سپاهیان به هنگام جشن‌ها و حمله‌های نظامی سرودهای خاصی خوانده می‌شد و نوعی موسیقی ویژه‌ی جنگ رایج بود که با بوق و شیپور و طبل نواخته می‌شد و با سرودهایی همراه بود. افزون بر این نوعی موسیقی مذهبی در هنگام عبادت در سرودها و مناجات نیز در این دوره اجرا می‌شده است.

پوشاک دوره‌ی هخامنشی

پوشاک مادها و پارس‌ها در بسیاری از موارد یکسان است. اما برخی از صاحب‌منصبان پیراهن بلند و گشاد رنگارنگ با شلواری در زیر آن (ایرانیان اولین مردمانی بودند که شلوار می‌پوشیدند. واژه‌ی Pajama از واژه‌ی فارسی پاجامه به زبان انگلیسی وارد شده است.) می‌پوشیدند که با آب و هوای خشک سازگاری داشت و پیراهن زنان پارس بلند و آستین‌دار بود. زنان نیم‌چادری نیز بر روی سر داشتند.





■ سلوکیان

پس از حمله‌ی اسکندر در ایران سلسله‌ای به نام سلوکیان به وجود آمد که آثار قابل توجهی در هنر و معماری این دوره بر جای مانده است. پلان شهرها در این دوره به صورت شطرنجی بوده که در دوره‌ی پارت‌ها به صورت دایره‌وار در می‌آید.



پیکره‌ی هرکول در پای کوه بیستون کرمانشاه

آثار محدودی از تأثیر هنر یونان از این دوران بر جای مانده که از آن جمله می‌توان به پیکره‌ی هرکول در بیستون کرمانشاه، معبد خوریه در محلات اصفهان و پرستشگاه شمی در ایذه‌ی خوزستان و معبد استخر و معبد نهاوند اشاره کرد. لازم به ذکر است که معبد خوریه در محلات تنها نمونه‌ی معماری یونیک در ایران به شمار می‌رود.

■ اشکانیان (پارتیان)

در حدود سال ۲۳۸ ق.م ارشک توانست سلسله‌ی اشکانی را پایه‌گذاری کند. این دوره طولانی‌ترین دوره‌ی ایران باستان است، زیرا پارتیان حدود ۵۰۰ سال حکومت کردند. آنان به سبب متصرفات گسترده‌شان ۳ پایتخت داشتند که به ترتیب شامل نیسا (در عشق‌آباد ترکمنستان)، صد دروازه (قومس) در جنوب دامغان و تیسفون در عراق می‌شد. زبان رایج آنان پهلوی اشکانی بود، اما برای تجارت و روابط سیاسی از زبان یونانی استفاده می‌کردند که این امر خود از یک سو موجب تثبیت حکومت اشکانیان می‌شد و از جهت دیگر باعث نفوذ آئین مهرپرستی در تمدن یونان و روم گردید. هرچند که در این دوره آزادی ادیان وجود داشته اما آئین مهر (میترائیسم) رواج بیش‌تری داشته است. بر اساس گفته‌های مهرداد بهار مراسم گود زورخانه امروز به مراسم آئین مهر شباهت دارد. آئین مهر دارای درجات تشریف هفت‌گانه است و شیر در این آئین نماد قدرت است. در تصاویر به جای مانده از آئین مهر همیشه میترا در حال شکار گاو ترسیم شده است و رنگ مورد علاقه‌ی آئین مهر قرمز ارغوانی است.

هنر دوره‌ی اشکانی

اشکانیان به دلیل برخورداری از روحیه‌ی نظامی، تأکید زیادی بر هنر نداشتند اما با کاوش‌های به عمل آمده از نیسا و دورا اروپوس (سوریه در کنار رود فرات) آثار مهمی از اشکانیان به دست آمده که پژوهشگران آنان را به سه گروه مشخص تقسیم می‌کنند:

(۱) آثار اقتباس شده و تقلیدی از آثار پیشین شرقی، ایرانی و یونانی

(۲) هنر اشکانی که اوج هنر تلفیقی عناصر پیشین با ویژگی فرهنگی و هنری در سده‌ی اول پ.م و بعد از آن به شمار می‌رود.

(۳) هنر دوره‌ی انحطاط که شامل آثار سده‌ی دوم میلادی تا پایان عهد اشکانی هستند.

برخلاف آنچه که برخی هنر اشکانی را ملهم از هنر یونانی می‌دانند، هنر اشکانی ریشه در هنر مشرق‌زمین دارد. چرا که طرح‌ها و مایه‌های آئینی و روحانی، علاقه به ظرافت و ریزه‌کاری و پرداختن به جزئیات و تزئین و شیوه‌ی نمایش روبه‌روننگاری که از ویژگی‌های هنر اشکانی است، منبع شرقی دارد. افزون بر این، موضوعات رایج در آثار هنری این دوره از جمله پیکره‌های انسانی، تقدیم نذورات، مراسم جشن، شکار، قربانی و سوارکاری دلیل دیگری بر این مدعا است.



معماری دوره‌ی اشکانی

مهم‌ترین دستاورد هنر اشکانی را می‌توان معماری و شهرسازی به ویژه شهرسازی دایره‌ای و ابداع ایوان، گنبد، قوس و طاق گهواره‌ای به‌شمار آورد. از مهم‌ترین شهرهای اشکانی می‌توان به شیز (تخت‌سلیمان)، دارابگرد، فیروزآباد، هاترا در میان رودان شمالی و نیسا اشاره کرد.

در عهد اشکانی تالارهای ستون‌دار عصر هخامنشی اهمیت خود را از دست می‌دهند و به منظور دستیابی به فضاهای بزرگ، در ایوان‌ها، ستون‌ها به صورت تزئینی (شبه‌ستون) به کار می‌روند و کاربرد اصلی خود را از دست می‌دهند. حیاط‌های باز مرکزی و ایوان‌های کم‌عرض از ویژگی‌های بناهای این دوره است که بعدها الگوی ساخت بناهای چهار ایوانه عصر اسلامی قرار می‌گیرند. بناهای دوره‌ی اشکانی عمدتاً در نمای بیرونی با اسلوب یونانی آراسته می‌شد، اما در بخش داخلی شیوه‌ای شرقی و ایرانی داشت و این نکته ماهیتی تلفیقی به معماری این آثار می‌داد. مهم‌ترین بناهای دوره‌ی اشکانی عبارت‌اند از:

- ۱- کاخ نیسا ۲- طاق‌گرا ۳- گور آتاناتان ۴- کاخ آشور ۵- هاترا (الحضر) ۶- کوه خواجه ۷- معبد کنگاور ۸- میل اژدها (آزاده)
- ۹- کاخ سلوکیه ۱۰- کاخ نیپور ۱۱- غربال بیز (دریزد) ۱۲- نارین قلعه (در میبد) ۱۳- آتشکده‌ی آذرگشنسب



جام عاجی عهد اشکانی مکشوفه از نیسا

کاخ نیسا

قدیمی‌ترین پایتخت زمان اشکانی است و در حاشیه‌ی غربی بیابان قره‌قوم در عشق‌آباد ترکمنستان قرار دارد. از این منطقه جام‌های عاجی بسیاری مانند آنچه که در تصویر می‌بینید به‌دست آمده است. این جام‌های عاجی مربوط به سده‌ی دوم پیش از میلاد هستند.

طاق‌گرا

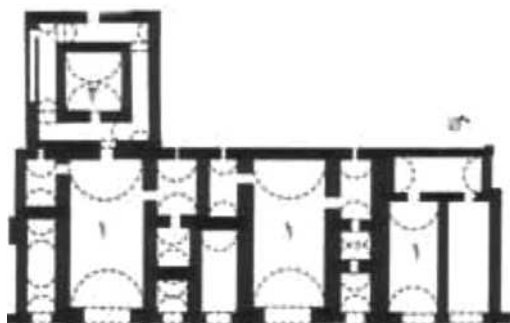
در پای کوه پاتاق کرمانشاه قرار دارد، در این بنا اولین نمونه‌ی تلفیق طاق مسطح و گهواره‌ای دیده می‌شود.



گور آتاناتان
از مقابر زیرزمینی عهد اشکانی است که در پالمیر سوریه قرار دارد. این مقبره‌ی زیرزمینی مربوط به ۲۲۰ میلادی است. نمای داخلی آن با نقش برجسته‌هایی که در تصویر می‌بینید تزئین شده است.

هاترا (الحضر)

در موصل عراق قرار دارد و مهم‌ترین بخش آن نیایشگاه خورشید است. این منطقه در عهد اشکانی مرز بین امپراتوری ایران و روم بوده است.



پلان هاترا (الحضر)



نمایی از نیایشگاه خورشید در هاترا



نمایی از نیایشگاه خورشید در هاترا

رومیان به طمع دستیابی به نذری‌های نیایشگاه خورشید بارها به این منطقه حمله کرده‌اند. کاخ الحضر با ترکیبی از ایوان‌های ردیفی ساخته شده است. در پشت این ایوان‌ها بنایی کوشک‌مانند دیده می‌شود.

کوه خواجه

در نزدیکی زابل به صورت کاخ قلعه در عهد اشکانی ساخته شده است، اما شالوده‌ی معبد آن مربوط به عهد هخامنشی است. به مجموعه بناهای کوه خواجه قلعه و به دژ اصلی آن قلعه‌ی سام می‌گویند. در تزئین نمای داخلی این بنا از نقاشی دیواری با تکنیک فرسک استفاده شده است. این بنا شامل یک کاخ و یک معبد است و بر روی صفه یا سکویی بنا شده است. در ضلع غربی و شرقی این بنا ایوان‌های مسقف وسیع قرار گرفته است. ویژگی مهم در این مجموعه بناها پدیدار شدن فضاهای ویژه و اساسی معماری سنتی است که بعدها در مدارس، کاروانسراها و مساجد بعد از اسلام نیز به کار رفت. ایوان رو به میانسرا (حیاط مرکزی) و گنبد از جمله‌ی این فضاها می‌باشند.

معبد کنگاور

مربوط به آناهیتا (الهه‌ی آب) است و ساخت آن از زمان اردشیر دوم هخامنشی آغاز شده و در زمان اشکانی تکامل یافته است. در این بنا ۹ ستون فاقد تزئین دیده می‌شود اما در جرز سنگی معبد نقش‌برجسته‌هایی متأثر از هنر یونیک مشاهده می‌شود.

میل اژدها (آزاده)

قدیمی‌ترین میل مناره‌ی ایران باستان است که در نورآباد ممسنی قرار دارد.

کاخ آشور

در کشور عراق قرار دارد. در این بنا شاهد اولین نمونه‌ی چهار ایوانی هستیم، هم‌چنین در این بنا نمونه‌ی حمام دیده می‌شود، لازم به ذکر است که قدیمی‌ترین حمام ایران متعلق به دوره‌ی هخامنشی است.



پلان کاخ آشور در عراق



حجاری و نقش برجسته‌های دوره‌ی اشکانی

از مهم‌ترین حجاری‌های این دوره می‌توان به نقش برجسته‌ی تنگ سروک در نزدیکی بهبهان مربوط به حدود ۲۰۰ میلادی و نقش برجسته‌ی مقابر پالمیر در سوریه و نقش برجسته‌ی اردوان پنجم اشاره کرد.



نقش برجسته‌ی تنگ سروک در نزدیکی بهبهان



از نقوش برجسته‌ی عهد اشکانی

از مهم‌ترین آثار پیکره‌سازی عهد اشکانی می‌توان به پیکره‌ی مفرغی سرباز اشکانی و پیکره‌ی «هتره» اشاره کرد. پیکره‌ی سرباز اشکانی متعلق به سده‌ی دوم میلادی است و از منطقه‌ی شمی (مالمیر) در ایذه‌ی خوزستان به دست آمده و در حال حاضر در موزه‌ی ملی ایران (ایران باستان) نگهداری می‌شود.



پیکره‌ی مکشوفه از عهد اشکانی



پیکره‌ی مفرغی سرباز اشکانی

این پیکره نشان از توانایی فن ریخته‌گری و مهارت هنرمندان مفرغ‌کار اشکانی دارد و دقت بالای آن‌ها در واقع‌نمایی در چهره و پوشاک را نشان می‌دهد.

فلزکاری عهد اشکانی

در این عصر مهارت بسیاری در ریخته‌گری دیده می‌شود. فلزکاری این عهد ارزش زینتی یافت و جواهرسازی به صورت حرفه‌ای خاص درآمد و مرصع‌کاری که از زمان هخامنشی آغاز شده بود به اوج خود رسید. یکی از عوامل رشد فلزکاری در این عصر ضرب سکه و نیاز به جواهرات و تزئینات لباس بود که مهارت خاصی در ساخت آن‌ها به کار می‌رفت.



جواهرات مرصع نشان عهد اشکانی



سکه‌های عهد اشکانی



ظروف فلزی عصر اشکانی با شیوه‌ای تلفیقی ساخته شده به گونه‌ای که شکل جام‌ها و ساغر‌ها از تکه‌های هخامنشی تقلید شده اما تزئینات آن‌ها به شیوه‌ی یونانی انجام شده و با عناصر هنر اشکانی کامل شده است.

نقاشی دوره‌ی اشکانی

دوره‌ی اشکانی تجلی نقاشی دیواری است که توانست نقش مهمی در تزئینات معماری این عهد ایفا کند. مهم‌ترین مراکز این هنر کوه خواجه در سیستان و منطقه‌ی دورااروپوس در سوریه‌ی کنونی بوده‌اند.

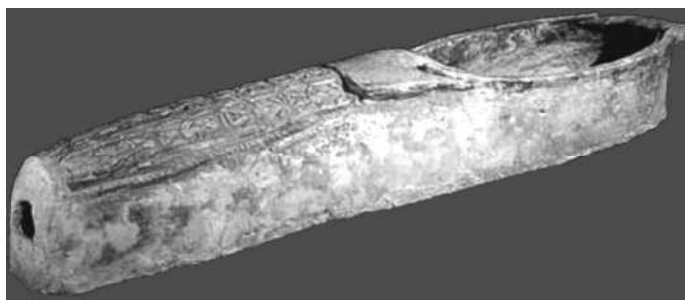


نقاشی مکشوفه از عهد اشکانی مربوط به کوه خواجه

این نقاشی‌ها دارای طرح‌هایی ساده و تزئینی، نقش گیاهان، جانوران و انسان همراه با حرکت‌های آزاد را در بر می‌گیرد که با استفاده از رنگ‌های تخت و خطوط کناره‌نمای سیاه قلم‌گیری شده و با نقوش خاص ایرانی چون گل نیلوفر، برگ کنگر، نقش نخلچه و ... اجرا شده‌اند.

سفالگری دوره‌ی اشکانی

سفالینه‌های اشکانی به دلیل کاربرد روزمره و استفاده‌ی مردم عادی کم‌تر جنبه‌ی هنری داشت. مهم‌ترین آثار سفالگری این عهد تابوت‌های سفالینی است که با تصاویر و نقوش مختلف خطی کنده‌کاری، تزئین شده و سپس با لعاب پوشش یافته است.



نمایش و ادبیات دوره‌ی اشکانی

اشکانیان علاقه‌ی خاصی به نمایش و موسیقی از خود نشان می‌دادند، به گونه‌ای که حتی تراژدی‌های اورپید نمایش‌نامه‌نویس یونانی در تیسفون اجرا می‌شده است. در کاخ هاترا نقاب‌های نمایشی همراه با نقوش تزئینی به دست آمده که هر یک از آن‌ها نمایشگر شخصیت‌های نمایشی آن روزگار بوده‌اند. در این عصر هم‌چنین ادبیات حماسی و پهلوانی رشد کرد که معروف‌ترین اثر به یادگار مانده از آن کتاب «خدای نامه» است که بعدها مایه‌ی اصلی شاهنامه‌ی فردوسی گردید. بسیاری از منظومه‌های عاشقانه مثل ویس و رامین نیز ریشه در دوره‌ی اشکانی دارند.



مناظره درخت آسوریک که قدیمی‌ترین تعزیه‌نامه‌ی ایرانی به‌شمار می‌رود نیز متعلق به این دوره است که در عهد ساسانی بازنویسی شده است. این تعزیه‌نامه جنگ گشتاسب با پادشاه خیونان است. از دیگر آثار این دوره می‌توان به مناظره‌ی درخت آسوریک اشاره کرد که مثل یادگار زریران در عهد ساسانی بازنویسی شده است.

موسیقی دوره‌ی اشکانی

میل به نظامی‌گری یکی از دلایل علاقه‌ی اشکانیان به موسیقی بود. آنان برای برانگیختن سربازان در میدان جنگی از سازهایی شبیه به شیپور، کرنا، سنج‌های برنجی و دهل‌های چرمی که گرداگرد آن را زنگوله‌هایی آویخته بودند استفاده می‌کردند. آن‌ها به غیر از مراسم جنگ در جشن‌ها و مجالس سازهای بادی به همراه نی و سنتور می‌نواختند و نوازندگان و خوانندگان آن‌ها به «گوسان» معروف بوده‌اند.

در این دوره موسیقی و شعر به هم نزدیک شده، چنان که کسی نمی‌توانست بدون این که با موسیقی آشنا باشد و یا در نواختن یکی از سازها مهارت داشته باشد شاعر باشد. هم‌چنین اسناد و آثار موجود رواج موسیقی را در دوره‌ی اشکانیان تأیید می‌کند. یکی از آثار به‌دست آمده‌ی این دوره در حفاری‌های باستان‌شناسی، ساتگین یا جام فلزی است، این اثر ظاهراً به سده‌ی دوم میلادی تعلق دارد و در آن دو ساز «دونای» و «چنگ» دیده می‌شود.

خط دوره‌ی اشکانی

در عهد اشکانی از خط آرامی خط پهلوی به‌وجود آمد.

دستاوردهای هنر اشکانی

هنر اشکانی میراثی است که همراه با دیگر جنبه‌های فرهنگی این عصر به دوره‌های بعد به ویژه ساسانی انتقال یافت و توانست با شکوه و عظمت هنر ساسانی فراگیرتر شود. لازم به ذکر است که هنر اشکانی علاوه بر عصر ساسانی بر هنر هند و بیزانس نیز تأثیر مستقیم داشته و توسط آن‌ها ادامه یافت.

پوشاک دوره‌ی اشکانی

پوشاک اقوام پارتی تا حدی شبیه مادها بوده و در واقع پیشینه‌ی پوشاک امروزی است. آن‌ها در حین سوارکاری یا جنگ برای حفاظت پاها، دو ساق‌بند گشاد چرمی به نام «رانپوش» روی شلوار می‌پوشیدند که در دوره‌های دیگر مشاهده نمی‌شود. پوشاک زنان پارتی شامل پیراهنی بلند و آستین‌دار و چادری همراه عمامه بود که در تندیس‌های سنگی آن دوران به خوبی دیده می‌شود.

